روی موج کوتاه

امیر ایرانی:
دریای خزر جای مانور دیگران نیست

فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران با بیان اینکه دریای خزر محیطی نیست که جای مانور به دیگران بدهد، اظهار کرد: به اندازه کافی دور دریای خزر قدرت جمع شده است. به گزارش دیده‌بان ایران؛ امیر دریادار شهرام ایرانی در جریان سفر به روسیه برای حضور در اجلاس فرماندهان نیروی دریایی کشورهای حاشیه دریای خزر در گفت‌وگویی، با تاکید بر اینکه هدف همه کشورهای حاشیه دریای خزر برقراری امنیت دریاست، ادامه داد: این امر با مشارکت کشورهای حاشیه دریای خزر و به گونه‌ای انجام می‌شود که اقتصاد این منطقه، پویا باشد.

لایحه افزایش ۴۰ نماینده دیگر به مجلس نهایی شد

نماینده مردم کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس گفت: مرحله کارشناسی و مصوبه افزایش تعداد نمایندگان استان البرز و همچنین افزایش ۴۰ نفر به دیگر حوزه‌های انتخابیه توسط وزارت کشور نهایی شده است و لایحه مربوطه به‌زودی به مجلس ارائه می‌شود. علی شیرین‌زاد، افزود: البرز از حیث تناسب تعداد نماینده به جمعیت، محروم‌ترین استان کشور است و این موضوع به جهات مختلف ریشه بسیاری از مشکلات منطقه و محرومیت‌های بعدی است. به گفته وی، طبق این مصوبه سه نفر به تعداد نمایندگان استان البرز افزوده خواهد شد، به این ترتیب که یک نماینده به تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه ساوجبلاغ، نظرآباد، طالقان و چهارباغ در مجلس شورای اسلامی افزوده خواهد شد و دو نماینده دیگر نیز در حوزه انتخابیه کرج، فردیس و اشتهارد فعالیت خواهند کرد.

کالاس:
ایران به شریکی مسئول تبدیل شود

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با تکرار ادعاهای سیاسی درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مدعی شد: «ما می‌توانیم با همکاری یکدیگر اطمینان حاصل کنیم که ایران به شریکی مسئول تبدیل شود.» کایا کالاس که برای شرکت در نشست عالی امنیت و همکاری منطقه‌ای به کویت سفر کرده است، گفت: راه‌حل پایدار برای مسئله هسته‌ای ایران تنها از طریق مذاکره و دیپلماسی قابل دستیابی است. کایا کالاس با تأکید بر اینکه اتحادیه اروپا اکنون تمام تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای که قبلاً لغو شده بودند را بدون تأخیر بازمی‌گرداند، افزود: بازگشت تحریم‌ها و محدودیت‌های هسته‌ای نباید پایان دیپلماسی باشد. ئی افزود: با این نیت، من به تماس با همه طرف‌های ذی‌نفع، از جمله ایران، ادامه خواهم داد.

اظهارات شاذ یک نماینده مجلس:
مردان متأهل در خیابان از همسرشان سیر می‌شوند!

نماینده مردم ملایر در مجلس با این ادعا که برای مرد متاهل سخت است که در خیابان حضور پیدا کند، از بس که چشمش جوراجور می‌بیند و از همسر خودش سیر می‌شود افزود: باید راه جهنم را در کشورهای اسلامی ببندیم. به گزارش انتخاب، احمد آریایی‌نژاد، در گفت‌وگویی تأکید کرد: هدف آزاد بودن خانم‌ها نیست بلکه هدفشان این است که مردها مشغول این گونه مسایل باشند و کار نکنند و خانم‌ها هم آلت دست مردان هرزه شوند. وی افزود: بعضی جاها آبروی حیوان هم رفته است؛ یعنی باز حیوان هم پوشیده‌تر است. علنا دارند جامعه را تحریک می‌کنند.

بانکی‌پور خطاب به وزیر بهداشت:
بنا دارید مقابل امر ولی‌فقیه بایستید؟

یک نماینده مجلس خطاب به وزیر بهداشت، گفت: آقای دکتر ظفرقندی! برخی مدیران وزارت بهداشت گفته‌اند که موضوع جمعیت به ما ربطی ندارد! آیا بنا دارید از اجرای قانون استنکاف کنید و مقابل امر ولی فقیه بایستید؟! امیرحسین بانکی‌پور در نطق جنجالی خود در مجلس در عین حال گفت که گزارش‌ها نشان می‌دهد که قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت باعث افزایش ۵۰ درصدی الگوی سه فرزندی شده و موفق بوده است.

کنایه فعال سیاسی به پیگیری نمایندگان اصفهان برای ابلاغ قانون حجاب:
شهر در خطر ریزش است!

فعال سیاسی اصلاح طلب در توئیتی با هشتگ فرونشست به نمایندگان مجلس کنایه زد. مینو خالقی، در توئیتی با انتشار تصاویر امیرحسین بانکی‌پور و محمدتقی نقدعلی دو نماینده اصفهان که بر ابلاغ قانون حجاب تأکید دارند، در شبکه اجتماعی ایکس به کنایه نوشت: «نمایندگان اصفهان در مجلس! سلام علیکم فرونشست در اصفهان به ۱۸ سانتیمتر رسید و تمام این شهر در خطر ریزش است. و من الله التوفیق»

بعد از نخعی‌راد، نوبت به ابوترابی‌فرد رسید
ادامه هجمه نمایندگان سینه‌چاک روسیه به وزیر بهداشت

بعد از علی‌اصغر نخعی‌راد، نماینده مشهد، نوبت به نماینده نجف‌آباد در مجلس رسید تا در حمایت از روسیه، وزیر بهداشت را آماج حملات خود قرار دهد. ابوالفضل ابوترابی‌فرد، در شبکه ایکس نوشت: «به نظر می‌رسد در این شرایط حساس، برخی دولتی‌های غربگدا همچون وزیر بهداشت، عامدانه به دنبال برهم زدن روابط راهبردی با روسیه هستند؛ مگر ما برای این رابطه چه کرده‌ایم که حالا از روسیه انتظار داریم؟ جناب رئیس جمهور، این وزرای بی‌کفایت را جمع و جور کنید.» علی‌اصغر نخعی‌راد، روز یکشنبه موضع‌گیری وزیر بهداشت در مورد روسیه را ناصواب، خلاف منافع ملی و ناشی از بیماری مزمن وی دانسته بود.

تبرئه یک فرانسوی تبعه آلمان از اتهام جاسوسی

رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از صدور حکم برائت یک تبعه کشور آلمان که دارای ملیت فرانسوی است، از اتهام جاسوسی خبر داد و گفت: این متهم، کریستین جین پیرلو مونترلس تبعه کشور آلمان و دارای ملیت فرانسوی است. مجتبی قهرمانی، با بیان اینکه این شخص به اتهام جاسوسی در زمان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دستگیر شده بود گفت: علی رغم دستگیری در شرایط خاص و جنگی و صدور کیفرخواست برای این شخص، پرونده مربوطه در دادگاه انقلاب شهرستان بندرعباس به صورت دقیق مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفت.

۲۳ سال پس از تصمیم «سعید جلیلی» در تهران، ساختمان ایران در لندن توقیف شد

«جلیلیسم» در آینه کرسنت: گروگانگیری منافع ملی

میرا قربانی فر

صبح لندن خنک است و کورانِ رهگذران بی‌اعتنا از کنار ساختمان سنگی سه بر می‌گذرند که اگر تابلوهای حقوقی روی در نبود، کسی نمی‌فهمید «خانه NIOC» دفتر قدیمی شرکت ملی نفت ایران است.

اما اکنون موضوع دعوایی که ۲۳ سال سیاست ایرانی را زیر و رو کرده منجر به رأی تازه دادگاه تجدیدنظر انگلستان شده که انتقال ملک به «صندوق بازنشستگی و رفاه کارکنان صنعت نفت» مصداق معامله به بهای کمتر برای دور کردن دارایی از دسترسِ طلبکار بوده؛ پس اجرای حکم مصادره به نفع «کرسنت گس» بلامانع است.

به این ترتیب ملک تحت کنترل قوه قضائیه بریتانیا قرار می‌گیرد تا بخشی از محکومیتِ داوری جبران شود.

این دومین ضربه سنگین پس از توقیف ساختمان شرکت نفت ملی ایران در روتردام است؛ ریلِ اجرا به حرکت افتاده و هر اعتراض تازه، اگر هم تعویقی بسازد، مسیر را عوض نمی‌کند. رأی تازه نیز فقط یک واقعه حقوقی نیست؛ اعلامِ ورشکستگیِ یک راهبرد سیاسی است و آن راهبرد چه بود؟ «توقف مطلق» به‌جای «اجرای اصلاح‌شده»، و تبدیل کردنِ یک قراردادِ انرژی به چماقی برای تسویه‌حساب با رقیب.

سعید جلیلی تمام تلاش خود را برای اجرا نشدن قرارداد کرسنت انجام داد، و پیش از این ادعا داشت که ایران حداکثر ۸۱۵ میلیون دلار خسارت پرداخت خواهد کرد و این هم در صورت شکست ایران در دادگاه بوده که بعید است؛ ولی ایران هم شکست خورد و هم باید میلیاردها دلار جریمه پرداخت کند

«از امضا تا امتناع» و ریشه یک تناقض

کرسنت در ابتدای دهه ۱۳۸۰ برای فروش گاز میدان مشترک «سلمان» به امارت امضا شد؛ قرارداد فروش گاز ایران به امارات بین «شرکت ملی نفت ایران» و شرکت نفتی کرسنت پس از سال‌ها مذاکره، در زمان ریاست‌جمهوری «محمد خاتمی» و وزارت نفت «بیژن نامدار زنگنه» امضا شد.

شرکت ملی نفت ایران در این قرارداد متعهد بود که به مدت ۳۰ سال، گاز میدان نفتی «سلمان» را که با امارات متحده عربی مشترک است و در حال حاضر روی مشعل‌ها می‌سوزد، با خط لوله‌ای که از کف خلیج فارس عبور می‌کرد، به این کشور صادر کند.

قرارداد کرسنت باید از سال ۱۳۸۵، یعنی سال دوم ریاست جمهوری «محمود احمدی‌نژاد» به مدت ۲۵ سال به مرحله اجرا درمی‌آمد. اگر این قرارداد در زمان مقرر اجرا می‌شد، امروز ۸ سال از آن هنوز باقی مانده بود، اما دولت وقت یعنی محمود احمدی‌نژاد با همدستی آشکار سعید جلیلی با کنار گذاشتن اجرای آن خساراتی میلیارد دلاری به ایران زده که در تاریخ کشور بی‌سابقه است.

«جلیلیسم» در آینه کرسنت: نه گفتن به هزینه ملی

سعید جلیلی، در سمت دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، از همان ابتدا با اجرای قرارداد مخالفت کرد. منطقِ او سیاسی و ایدئولوژیک بود: «قرارداد فاسد است؛ باید ملغی شود». مساله این جاست که این سیاستِ «نه مطلق» وقتی به زبانِ داوری ترجمه شد، نامِ دیگری گرفت: «نقض تعهد».

بسیاری از کارشناسان معتقد هستند که جلیلی و حلقه تندرو اطرافش، هم مسیر مذاکرات اصلاحی را سد کردند و هم وزن دفاع فنی ایران را در فرآیند داوری کاستند؛ دفاعی که اگر جدی و مستمر بود، می‌توانست دست کم ابعاد خسارت را محدود کند. به‌جایش، روایت سیاسی در داخل طنین انداخت و در بیرون، رأی‌ها تکثیر شد.

دودلی دولت احمدی‌نژاد میان اجرا و جنجال

در این میان اما نقش محمود احمدی‌نژاد پیچیده‌تر و از جنس دودلی است. او در تریبون‌های عمومی از «فساد» گفت و در مقاطعی درون دولت به «اجرای اصلاح‌شده» اندیشید؛ تیم‌های حقوقی‌اش با طرف اماراتی تماس گرفتند، پیش‌نویس‌های اصلاحی روی میز آمد، اما هر بار، صدای موجِ سیاسیِ «ابطال» بلندتر بود. شورای عالی امنیت ملی و شبکه‌ای از تریبون‌ها بر طبل «نه» می‌کوبیدند و وزارت نفت، در گیرودار جابه‌جایی‌ها و اختلافات، قدرت پیشبردِ یک تصمیم اجرایی را نداشت.

چگونه تقصیر از توقف به امضا منتقل شد؟

در این بین اما از نیمه دهه ۱۳۹۰ به بعد، وقتی معلوم شد آرای داوری و احکام اجرا یکی پس از دیگری به زیان ایران صادر می‌شود، کمپینِ سیاسیِ تازه‌ای شکل گرفت «مقصرسازیِ از امضاکنندگان».

تیترها علیه بیژن نامدار زنگنه و دولت روحانی تندتر شد و از «ثمن‌بخس» تا «لابی اماراتی» به آنان نسبت داده شد. اما اینجا یک بازی با آدرس‌ها رخ داد؛ دعوای اصلی دیگر بر سر «خوب یا بد بودنِ متن اولیه» نبود؛ بر سر «رفتار پس از امضا» بود.

اگر متنی بد است، راهش یا «اصلاح» است یا «ابطال در محکمه» و وقتی هیچ‌کدام رخ نمی‌دهد و «توقف» جایگزینِ هر دو می‌شود، بارِ حقوقیِ خسارت از متن به رفتار منتقل می‌شود.

«سلمان» که فرصت بود، «مشعل» شد

آن سوی این نزاع اما میدان مشترک سلمان همچنان می‌سوخت و گازی که می‌توانست درآمدی پایدار، امنیتِ عرضه و امتیازِ ژئوپلیتیک به ایران بدهد؛ در نبودِ خط لوله و اجرا، سال‌ها بر مشعل سوخت.

در امارات اما محاسبات بر پایه تأمین پایدار پیش می‌رفت؛ و در تهران، محاسبات بر پایه سودِ کوتاه‌مدت در نزاع‌های بی‌پایان سیاسی.

در این میان اما روایت امارات، ساده بود «طرفِ ایرانی قرارداد را به تعهداتش پایبند نبود» و در عمل نیز وقتی خط لوله‌ای که باید از کفِ خلیج فارس برسد روی کاغذ می‌ماند، داوریِ فقط یک انتخاب دارد: الزام به جبران خسارت.

مساله اینجاست که اگر پرونده در همان سال‌های نخست و زمانی که احمدی‌نژاد نیز متوجه بحران زایی توقف قرارداد شده بود، با «اصلاح قیمت» و «بازطراحی جدول تحویل» جلو می‌رفت، شاید عدد خسارت به چندصدمیلیون می‌رسید؛ اما امروز، با رأی‌های تثبیت‌شده در محاکم قضایی سقف‌ها جابه‌جا شده‌اند و هر روز، یک دارایی در تیررس است. این خسارت نه فقط عددی روی کاغذ، که هزینه فرصتِ از دست رفته است: ده‌ها میلیارد دلاری که می‌توانست در پروژه‌های داخلی سرمایه‌گذاری شود و نشد. هر بار هم که رئیس دولتی تلاش کرد این روند را اصلاح کند یا به قرارداد بازگردد، حامیان تفکر سعید جلیلی فریادها سر دادند و بر همان طبل پیشین کوبیدند.

کما این که اکنون نیز اهمیت مصادره ساختمان لندن فقط در رقم ملک نیست؛ پیامش به تمام شرکای بالقوه‌ی ایران در انرژی است که «ریسک قراردادی ایران بالا است». وقتی دادگاه‌های معتبر اروپایی، یکی پس از دیگری، انتقال‌های درون‌خانوادگیِ دارایی را «فرار از دین» می‌خوانند و حکم به بی‌اعتباری‌شان می‌دهند، شرکت‌ها و بانک‌ها با خود می‌گویند «اگر قرارداد ببندیم و بعد در تهران نزاعِ جناحی شعله بکشد، آیا ما قربانی نمی‌شویم؟» این هراس، حتی در دورانِ رفع نسبیِ تحریم‌ها، سرمایه را مردد می‌کند.

مساله یکی همین است که وقتی سیاست داخلی، قرارداد خارجی را گروگان می‌گیرد، در بیرون، کارزار وکلا و قضات است که با شما تسویه می‌کند.

اگر پرونده کرسنت در همان سال‌های نخست و زمانی که احمدی‌نژاد نیز متوجه بحران‌زایی توقف قرارداد شده بود، با «اصلاح قیمت» و «بازطراحی جدول تحویل» جلو می‌رفت، شاید عدد خسارت به چندصدمیلیون می‌رسید؛ اما امروز با رأی‌های تثبیت‌شده در محاکم قضایی سقف‌ها جابه‌جا شده‌اند و هر روز، یک دارایی ایران در تیررس است

بازگشت به عقلانیت یا تکرارِ خطا؟

اکنون اما سیاست ایران در میان یک دوگانه تازه ایستاده است که یا هنوز با همان منطقِ «نه مطلق» جلو برود و این یعنی مخالفت با هر نوع مذاکره، هر نوع توافق تکمیلی، هر نوع مصالحه حقوقی برای کاهش هزینه‌ها؛ و یا بالاخره می‌پذیریم که هزینه‌ی این منطق از هر امتیازی گران‌تر است. مساله این جاست که وقتی هر بار در صحنه سیاست داخلی، هر مصالحه‌ای را «تسلیم» بخوانند و هر مذاکره‌ای را «ننگ» بدانند، فقط فرصت‌ها از دست نمی‌رود بلکه تاوان حقوقی نیز در پی دارد.

چنان که اگر این بازنگری در روند سیاست ورزی کشور رخ ندهد، کرسنت به الگو بدل می‌شود؛ الگویی که در پرونده‌های بعدیِ انرژی و حتی در دعاوی بانکی تکرار خواهد شد و آن وقت، هر رأی تازه، تیتر تازه‌ای خواهد شد با مضمونی قدیمی «توقیفِ دارایی ملی برای اجرای رأی خارجی».

چه کسی پاسخگو است؟

ساختمانی که امروز در قلبِ لندن توقیف شد پنجره‌هایش رو به پارلمان باز می‌شود و درختانِ خیابان شاهد رفت‌وآمد دولت‌ها در کنارش بوده‌اند.

امروز اما، این ساختمان بیش از یک ملک است؛ استعاره‌ای است از سیاستی که می‌خواست با «نه گفتن» برنده شود و حالا با حکمِ مصادره، شکستش را قاب گرفته‌اند.

در آن سوی آب‌ها، میدانِ سلمان هنوز شعله‌ور است؛ اما نه برای اقتصاد ایران. این تصویر را باید دید و پذیرفت که وقتی سیاست داخلی، منطقِ گفت‌وگو و اصلاح را می‌کُشد، اقتصاد ملی در محکمه‌های خارجی به دادگاه می‌رود.

جالب تر این که سعید جلیلی، دبیر وقت شورای امنیت ملی که از مخالفان پروپا قرص اجرای این قرارداد بود، پیش‌بینی کرد که عدم اجرای این قرارداد خسارت چندانی ندارد!

اما تاکنون دستکم دو ساختمان شرکت ملی نفت ایران، متعلق به ملت ایران، بابت آن چه سعید جلیلی می‌گفت خسارت چندانی ندارد از دست رفته و هنوز هم این هزینه‌ها را پایانی نیست و البته که میدان گازی ایران می‌سوزد و گازش از دست می‌رود بدون آن که حتی یک ریال برای این کشور فایده در پی داشته باشد؛ و شاید نزدیک‌ترین تعبیر همین باشد که این یعنی گروگانگیری منافع ملی به روش سعید جلیلی و همه حامیانش!

مرد همیشه بازنده همه انتخابات‌ها، وقتی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی بود تمام تلاش و امکان خود را برای اجرا نشدن این قرارداد انجام داد، و پیش از این ادعا داشت که ایران حداکثر ۸۱۵ میلیون دلار خسارت پرداخت خواهد کرد و این هم در صورت شکست ایران در دادگاه بوده که بعید است؛ ولی ایران هم شکست خورد و هم باید میلیاردها دلار جریمه پرداخت کند.

همان راهِ قدیم با اسم‌های جدید و «نه» گفتن به مذاکره

بدتر این که هر چند در تهرانِ ۱۴۰۴، صحنه عوض شده اما دیالوگ‌ها نه؛ چهره‌ها شاید جوان‌تر، اما فریادهای مشابه در هر موضوعی به آسمان می‌رسد و از جمله یکی همین که هر بار تکرار می‌شود «مذاکره بی‌فایده است».

چنان که در هفته‌های اخیر، سعید جلیلی چهره محوری همین تفکر باز بالحنی که برای مخاطب ایرانی آشناست، دوباره به میدان آمد و «تعامل با غرب» را «تسلیم» نامید و اتفاقا در حاشیه همین خط، رسانه‌های همسو فشار می‌آورند که هر تلاشی برای گفت‌وگو با اروپا را «پروژه جناحی» بخوانند، در حالی که دولت اعلام می‌کند هدف، «تثبیت معیشت و کاهش ریسک» است. این صف‌بندی نیز تازه نیست؛ امتداد همان نزاعی است که کرسنت را از اتاق قرارداد به اتاق داوری راند.

شاهد دیگر این روندهای تکراری بازی با منافع ملی ایران بر سر منافع جناحی؛ پرونده FATF بود. چنان که حالا هم که بعد از سال‌ها رفت‌وبرگشت، گامی به سمت تطبیق برداشته شده تا راه نقل‌وانتقال‌های مالی کمی هموار شود؛ همین گام‌های مشروط با موجی از مخالفت‌های تندروها مواجه است و از جمله «قیدوبند»، «تهدیدِ جبهه مقاومت»، «مداخله در سیاست منطقه‌ای».

نتیجه نیز روشن است که هر چه پنجره‌های بانکی - مالی بسته‌تر بماند، هزینه هر معامله خارج از انرژی تا دارو برای مردم بالاتر می‌رود و دستِ طلبکارانِ بین‌المللی برای اجرای احکام راحت‌تر است.

مساله در همه این موارد، از موضوع برجام تا توافق، مذاکره و هر قرارداد اقتصادی، هنوز و همچنان تکرار همان چرخه قدیمی مخالفت با قواعد بازیِ جهانی است. مخالفتی که برای نه شخص که حاملان تفکر جلیلی در آن منافع ملی و معیشت شهروندان کمترین اهمیتی ندارد، مساله ماهگیری از آب گل‌آلودی است که برای این تفکر بتواند فواید جناحی و سیاسی را تضمین کند؛ تفکری خطرناک که یک بار برای همیشه باید از ریشه قطع و خشک شود.

گفت و گو

رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری:

هر آنچه مردم از آن ناراضی هستند نباید انجام شود

رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری گفت: هر چیزی که مردم از آن ناراضی هستند نباید انجام شود.

محمدرضا جوادی یگانه در گفت‌وگو با ایسنا درباره احتمال ایجاد تغییراتی در حوزه اجتماعی و فرهنگی از سوی مجموعه نظام سیاسی، تاکید کرد: در غیاب هر مرجع مطمئن دیگری که بتواند نظر واقعی مردم را به دست آورد - سوای اتکا به پیمایش‌های معتبر - باید به این قاعده توجه کنیم که هر چیزی که مردم از آن ناراضی هستند نباید انجام شود

وی در پاسخ به پرسشی درباره نقش دولت در جنگ ۱۲ روزه برای جلوگیری از بروز زمینه‌های جدیدی از نارضایتی اجتماعی، اظهار کرد: بخش مهمی از کار دولت فرایندهایی است که ذره ذره اجرا می‌شود. دولت دو کار کرد اصلی دارد که یکی هماهنگی اهداف است و دیگری کارکرد رویه بروکراتیک است که به انجام امور مورد نیاز مردم منتهی می‌شود و دولت در این زمینه فعال است؛ یعنی در امر بهداشت و در امر آموزش در مجموع نظم حاکم است و این یعنی بسیاری از امور کشور در حال انجام است. وقتی این‌ها نباشند و شیرازه امور از هم بپاشد می‌فهمیم چقدر منظم بوده و همین‌ها هم مردم را داخل نظام نگه داشته است؛ چون کشور اداره می‌شود و این اداره از سطوح پایین و ذره ذره در حال انجام است و مشکلات هم قابل حل است.

نظرسنجی‌های بعد از جنگ نشان‌دهنده تغییر دیدگاه‌های مردم است

مشاور اجتماعی نهاد ریاست جمهوری با اشاره به نتایج نظرسنجی‌های پس از جنگ ۱۲ روزه، تاکید کرد: نظرسنجی‌های بعد از جنگ هم نشان می‌دهد مردم تغییرهایی تجربه کردند؛ آنچه که درباره اداره امور کشور گفتم اتفاقاً مردم هم متوجه این موضوع شدند و یکی از دلایل اینکه در جنگ مردم متفاوت با آنچه برخی پیش‌بینی می‌کردند عمل کردند، همین بود. اتفاقی که در جنگ رخ داد؛ در سال ۱۴۰۴، بر خلاف سال ۱۴۰۱، با وجود اعلام حداقل دو فراخوان عمده از طرف سلطنت‌طلبان و ایران اینترنشنال حتی یک مورد پاسخ به آن‌ها دیده نشد. یک دلیلش این بود که کشور در ایام جنگ اداره شد؛ یعنی پمپ بنزین‌ها، بدون بنزین نبود؛ صف بود اما صف هم برای این بود که بنزین به همه برسد. مثلاً سوپرمارکتی بدون مثلاً مایحتاج زندگی نبود و برای همین مردم قبول کردند که کشور در حال اداره است. اگر اداره کشور نبود شاید وضع ما هم تغییر می‌کرد.

باید بیش از همیشه از فضای اجتماعی و اقتصادی ایران مراقبت کنیم

این جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی در پاسخ به پرسشی درباره وظیفه نظام سیاسی در قبال شرایط تعلیق دوره آتش‌بس و تاثیر آن بر معیشت مردم، اظهار کرد: پیشتر گفته بودم که از ۱۴۰۱ به بعد، ما به سمت دوجامعه‌ای شدن حرکت می‌کنیم و با تدبیری که از زمان انتخابات سال گذشته و وقایع منتهی به انتخابات اندیشیده شد این فضا مقداری تعدیل شده است. میزان کسانی که در مرحله اول انتخابات شرکت کردند ۴۰ درصد بود و در مرحله دوم به حدود ۵۰ درصد رسید؛ یعنی ۱۰ درصدی که به مشارکت‌کنندگان افزوده شدند می‌دانستند نظرشان خوانده و شنیده می‌شود و موثر است که خود این امر، تغییرات جدی ایجاد کرده است. در هر حال این وضعیت که ما دائم گوش به زنگ هستیم و مترصد یا نگرانیم مبادا حادثه‌ای رخ دهد باید با مراقبت بیش از حد از فضای اجتماعی و اقتصادی کشور اصلاح شود.

جامعه تحمل دشواری اجتماعی بعدی را ندارد

مشاور اجتماعی نهاد ریاست جمهوری با بیان اینکه جامعه تحمل دشواری اجتماعی بعدی را ندارد، گفت: به‌ویژه آغاز فصل دانشگاه‌ها باید با گشودگی اجتماعی همراه باشد و در کنار محافظت اقتصادی به عدم دستکاری جامعه هم توجه داشته باشیم. همبستگی که در جنگ ۱۲ روزه ایجاد شد، یک همبستگی واقعی بود و مردم واقعاً پای ایران ایستادند و متوجه بودند در هر حال، دولت و نظام مستقر چقدر می‌تواند کمک کند. ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید بالاتر از سیاهی رنگ نیست اما این امر در زمینه جامعه صدق نمی‌کند؛ آن سیاهی هزاران طیف و رنگ‌بندی دارد و مثل بدن نیست که بگوییم می‌میرد و خلاص می‌شود؛ جامعه می‌تواند هر روز بدتر و تیره‌تر باشد و مردم هم در مقایسه با برخی کشورهای منطقه این امر را به وضوح می‌بینند و به همین دلیل نمی‌خواهند به آن سمت بروند.

میزان موارد بی‌پاسخ در نظرسنجی‌ها گاه به ۷۵ درصد هم رسیده است

رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری در بخش دیگری از این گفت‌وگو در پاسخ به پرسشی درباره کاهش معنادار میزان مشارکت در نظرسنجی‌ها و تطابق نیافتن نتایج حاصل از نظرسنجی‌ها با رفتارهای اجتماعی و سیاسی مردم و تاثیر این روند بر امکان اتکا به نتایج نظرسنجی‌ها، گفت: کسانی که روسای مراکز افکارسنجی هستند باید توضیح دهند اما خود آنان هم از نتیجه دفاع می‌کنند و می‌گویند در انتخابات اخیر هم هشدار دادیم که میزان بی‌پاسخ‌ها مهم هستند. در فضای پس از جنگ میزان بی‌پاسخ‌ها گاه به ۷۵ درصد هم رسیده که خود این موضوع یک تذکر و هشدار است و باید به این بخش‌ها توجه کرد؛ چون سئوال‌ها و موضوعات خاصی جواب داده نمی‌شود.

یکی از نگرانی‌های مهم مردم تهران مسئله اتباع است

مشاور اجتماعی ریاست جمهوری همچنین در پاسخ به پرسشی درباره شکل‌گیری کمپین‌هایی برای اخراج اتباع افغانستانی و نسبتش با تقویت گزاره‌های نژادپرستانه از یک سو و ضرورت ساماندهی اتباع خارجی با توجه به تاثیرات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آنان در کشور از سوی دیگر، اظهار کرد: درباره افغانستانی‌ها دو موضوع را باید از هم تفکیک کنیم؛ یکی اینکه ورود افغانستانی‌ها به‌ویژه در سه سال قبل‌تر و بعد از به قدرت رسیدن دوباره طالبان با تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق همراه نبوده و اگر در دوره‌های قبلی اتباعی که وارد می‌شدند پیوندهای خانوادگی قوی داشتند و با جامعه ایرانی سازگارتر بودند و حضورشان در ایران مفیدتر بود و کار می‌کردند، افرادی که در این دوره اخیر وارد شدند، موجب آشفتگی‌هایی در جامعه ایران شدند. بنابراین این فضا باید ترمیم می‌شد.

یادداشت

نویسنده کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر»:

باهنر لازم نیست از خون برادر شهیدش خجالت بکشد

یک فعال رسانه‌ای در نوشتاری مجازی آورد: حال که ملاک، شهید باهنر (نخست‌وزیرِ رجایی و دبیر کل حزب جمهوری پس از شهادت بهشتی) است، خوب است ببینیم خودِ آن شهید که سنگش را به سینه می‌زنند و در واقعه انفجار نخست‌وزیری همراه با رئیس جمهور رجایی در ۸ شهریور ۱۳۶۰ به شهادت رسید، در باره اجباری بودن یا نبودن حجاب چه گفته است؟

به گزارش خبرآنلاین، امیر ترکاشوند، نویسنده‌ی کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» در یادداشتی درباره کنایه نقدعلی به باهنر در کانال تلگرامی نوشت:

محمدرضا باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت و نایب رئیس پیشین مجلس (و برادرِ شهید محمدجواد باهنر نخست‌وزیرِ رجائی در سال ۱۳۶۰) چند روز پیش، از برداشته شدنِ حکم حجاب اجباری (و در نتیجه فقدان مستند قانونی برای الزام به حجاب و برخورد جریمه) خبر داد و به نوعی از این تغییر رویه در سطوح بالای حکمرانی استقبال کرد.

اما دیروز محمدتقی نقدعلی نماینده مجلس در اعتراض به سخنان باهنر چنین واکنش نشان داد: «کسی که مدت‌ها در جایگاه نیابت رئیس همین مجلس تکیه زده بوده می‌گوید حجاب دیگر مستند قانونی ندارد، از خون برادر شهیدت خجالت بکش! به خدا و لنگاری ناامنی می‌آورد»

حال که ملاک، شهید باهنر (نخست‌وزیرِ رجایی و دبیر کل حزب جمهوری پس از شهادت بهشتی) است، خوب است ببینیم خودِ آن شهید که سنگش را به سینه می‌زنند و در واقعه انفجار نخست‌وزیری همراه با رئیس جمهور رجایی در ۸ شهریور ۱۳۶۰ به شهادت رسید، در باره اجباری بودن یا نبودن حجاب چه گفته است؟ یا اولاً محمدرضا باهنر لازم نیست از خون برادر شهیدش محمدجواد باهنر خجالت بکشد زیرا آن شهید شفاف‌تر از وی، آن هم ۴۵ سال پیش، اعلام کرده بود که در موضوع حجاب به هیچ وجه در اسلام تحمیل وجود ندارد.

ثانیاً به نظر می‌رسد اگر کسی قرار باشد از شهید باهنر خجالت بکشد گویا خودِ آقای نقدعلی است زیرا ادامه‌ی سخنان شهید باهنر، به امثال ایشان توجه دارد؛ دقت کنید: «... و به آن‌هایی که در این مورد تحمیل یا اعمال زور می‌کنند توصیه می‌کنیم که دست از این کار بردارند. اگر ایجاد اختلاف کردند باید به شدت از آن جلوگیری کرد».